

نقد و تحلیل جایگاه نهاد مشاوره در قانون جدید حمایت خانواده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۸ حبيب صادقی *

رضا نیکخواه سرنقی ** / محمدحسن جوادی ***

چکیده

در این جستار سعی گردیده است یکی از نوآوری‌های قانون جدید حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) مورد نقد و تحلیل قرار گیرد. بدون تردید ایجاد مراکز مشاوره خانواده، عملی ارزشمند، گام قابل تحسینی است که قانونگذار آن را در معیت دستگاه قضا برای تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق ایجاد نموده تا علاوه بر کمک به قاضی در کشف حقیقت، سعی در برقراری صلح و سازش بین زوجین نماید. نقد و فهم کارکرد این نهاد، در بستر شناخت همه‌جانبه از دعاوی خانوادگی روی می‌دهد. در این نوشتار ضمن معرفی، شناسایی و تبیین جایگاه حقوقی مراکز مشاوره، با نگاهی تحلیلی - انتقادی به تعارض وظایف این مراکز با وظایف ذاتی قوه قضاییه، حدود صلاحیت و درجه تکلیف دادگاه در پیروی از نظر مراکز پرداخته شده و در نهایت نقایص قانون تبیین و پیشنهادهای لازم ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: قانون حمایت خانواده، دادگاه خانواده، مراکز مشاوره، داوری

*. دکتری فقه و حقوق، دانشگاه ارومیه، (sadeghi.habib57@gmail.com)

**. استادیار دانشگاه ارومیه

***. استادیار دانشگاه ارومیه

مقدمه

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی انسان است، اصل اساسی آن بوده و فراهم آوردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است (مقدمه ق.ا). در همین راستا و با توجه به اهمیت نهاد خانواده، قانونگذار یکی از اصول نخستین (اصل دهم) را به خانواده اختصاص داده و چنین مقرر نموده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (همان).

نهاد خانواده، مقدس‌ترین نهاد از دیدگاه اسلام است؛ ازدواج پیوندی مقدس و ضروری است که دارای کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی مورد تأکید اسلام می‌باشد. اسلام با طلاق سخت مخالف بوده و تا حد امکان درصدد است که این امر صورت نگیرد و برای پرهیز خانواده‌ها از طلاق همه تلاش خود را به کار بسته است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ص ۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۲، ص ۷)؛ ولی درعین حال در مواردی که مصالح مهم‌تر ایجاب کند، ممنوعیت مطلق برای طلاق قائل نشده است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳۹). با تصویب قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) راهکار نو و ابتکاری در این زمینه پیشنهاد گردید که بررسی آن، موضوع این مقاله می‌باشد. مراکز مشاوره خانواده، نهادی که در معیت دستگاه قضا، برای تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق، سعی در ایجاد صلح و سازش نموده است. باوجوداین خود قانون حمایت خانواده به‌ویژه فصل دوم، موضوعاتی را پیش کشیده است که ضروری می‌نماید نخست درباره آنها به بحث و بررسی نشست.

شیوه پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. ابتدا مباحث مرتبط با موضوع از منابع موجود استخراج و مطالعه شده است. سپس نتایج مطالعات در قالب پیشنهادات ارایه شده است.

۱. معناشناسی مرکز مشاوره

در معنای «مشاوره» گفته شده که مقصود از آن استخراج و به دست آوردن رأی کسی با مراجعه به وی است: «الْمَشُورَةُ: استخراج الرَّأْيِ بِمَرَاةِ الْبَعْضِ إِلَى الْبَعْضِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ج ۶، ص ۱۴۹)؛ و از این باب است سخن خداوند که می فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) یعنی در کارها با مؤمنان با مشورت کن (ر.ک: قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۸۹؛ ابوحیب، ۱۴۰۸ق: ۲۰۵).

بنابراین مقصود از مرکز مشاوره نهاد یا مکانی است که برای مشورت دادن تعبیه شده است و افراد می توانند با مراجعه به آن نهاد مطابق صلاحیت و جایگاهی که برای این مراکز در نظر گرفته شده است، نسبت به اخذ مشورت اقدام نمایند.

یکی از نوآوری های قانون جدید حمایت خانواده، ایجاد مراکز مشاوره است که در هیچ یک از قوانین مرتبط با خانواده چنین نهادی معرفی نشده است. به نظر می رسد قانونگذار در یک اقدام نو، ابتکاری و رو به جلو، نسبت به راه اندازی این نهاد اقدام نموده است. شاید بتوان از نهاد دآوری به عنوان نهاد نسبتاً مشابه با این مراکز نام برد که در بخش دیگری از مقاله به مقایسه این دو نهاد پرداخته شده است.

علی رغم تدوین قوانین متعدد در زمینه تسهیل ازدواج جوانان و دغدغه نهادهای اجرایی و قضایی در کاهش اختلافات خانواده، روند رو به رشد و سیل آسای طلاق، علی الخصوص طلاق توافقی که سهل ترین راه، آسان ترین و کوتاه ترین مسیر جدایی برای زوجین در سال های اخیر تلقی می شد، قانونگذار را بر آن داشت تا در جهت جلوگیری از روند این گونه طلاق ها شرایطی را مهیا نماید و بکوشد با استفاده از

ابزارهای جدید، حداقل بخشی از این طلاق‌ها را کاهش دهد. بی‌شک قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ قانونی است که در نتیجه جریانات اجتماعی روز تدوین شده و این امر به وضوح از متن قانون هویداست. مراکز مشاوره به عنوان پل ارتباطی بین زوجین و کودکان، زوجین با جامعه و مواردی از این قبیل است که تلاش می‌کند با ارائه مشاوره به زوجین، آینده مبهم و گاه تاریک پس از طلاق و سرنوشت کودکان طلاق را به زوجین گوشزد نماید.

۲. جایگاه مشورت در اسلام

موضوع مشاوره در اسلام با اهمیت تلقی شده است. پیغمبر اکرم (ص) با اینکه قطع نظر از وحی آسمانی آن‌چنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت، برای اینکه از یک سو مسلمانان را به اهمیت مشورت متوجه سازد تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی خود قرار دهند، و از سوی دیگر، نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی داشت (نه قانونگذاری) جلسه مشاوره تشکیل می‌داد و مخصوصاً برای رأی افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود، تا آنجا که گاهی از رأی خود برای احترام آنها، صرف نظر می‌نمود؛ چنان‌که نمونه آن را در جنگ احد مشاهده کردیم و می‌توان گفت: یکی از عوامل موفقیت پیامبر (ص) در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۴۴).

در شریعت مقدس اسلام امر مشورت تا آنجا مورد اهمیت است که خداوند تبارک و تعالی، پیامبر بزرگوار خویش را با اینکه معصوم است و با منع وحی پیوند دارد، به مشورت با اصحاب و نظرخواهی از آنان مأمور می‌کند و سیره آن حضرت نیز همواره بر این اساس بود؛ اگرچه عزم و تصمیم نهایی برای آن حضرت باقی می‌ماند. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ و در کار با آنان مشورت

نما، پس آنگاه که تصمیم گرفتی، به خداوند توکل کن که خداوند کسانی را که به وی اعتماد کنند دوست دارد» (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۷۸).

یکی از پژوهشگران معاصر در این زمینه می‌نویسد: «اصل شورا به‌عنوان شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی، بر پایه مبانی قرآن و سنت استوار است و با توجه به آیات قرآن که در زمینه خصائص و شیوه عملکرد مؤمنان (أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ) و نیز به‌صورت دستوری بر پیامبر (ص) (وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ) آمده و نیز با بررسی نمونه‌های عملی در سیره پیامبر اسلام (ص) که در جنگ بدر و احد و خندق و همچنین در جریان عهدنامه پیامبر اکرم (ص) با مردم طائف دیده می‌شود، باید غیر قابل تردید و انکار تلقی گردد» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۲۲۳).

خداوند متعال در جایی دیگر در باب اهمیت مشورت می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (شوری: ۳۸) مؤمنان کسانی هستند که ندای پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند؛ امورشان با مشورت سامان می‌پذیرد و از آنچه داده‌ایم انفاق می‌کنند».

براساس نظر برخی از مفسران کلمه «شوری» مصدر است و معنای آیه چنین می‌شود: کار مؤمنان مشورت در میان خودشان است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ص ۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۴۴).

بنابراین از نگاه قرآن یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی اصل «شوری» و «مشاوره» است که بدون آن، همه کارها ناقص است. یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، به مسائل مختلف فقط از یک یا چند بُعد می‌نگرد؛ لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند. اما هنگامی که مسائل در شورا مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می‌گردد، و از لغزش دورتر است؛ ازاین‌رو پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قد روی عن النبی (ص) أنه قال ما من رجل يشاور أحدا إلا هدى إلى الرشده» (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۵۱).

هیچ‌کس در کارهای خود مشورت نمی‌کند، مگر اینکه به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۴۵).

از وصیت‌های پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) این بود که فرمود: «هیچ پشتیبانی مورد اعتمادتر از مشورت و هیچ خردی همانند تدبیر نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۲۰).

در رساله حقوق امام سجاد (ع) آمده است: «و حق المستشير ان علمت له رأيا اشرت عليه و ان لم تعلم ارشده الى من يعلم و حق المشير عليك ان لا تتهمه فيما لا يوافقك من رأيه» (ر.ک: الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۴۰۵؛ به نقل از: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۴۷). حق کسی که از تو مشورت می‌خواهد این است که اگر عقیده و نظری داری در اختیار او بگذاری و اگر درباره آن کار چیزی نمی‌دانی، او را به کسی راهنمایی کنی که می‌داند. و اما حق کسی که مشاور تو است، این است که در آنچه با تو موافق نیست، او را متهم نسازی.

البته مفاد چنین آیات و روایاتی در واقع ارشاد به حکم عقل می‌باشند؛ زیرا نیاز به مشاوره خاصه در روزگار کنونی و گرفتن تصمیم‌های جمعی با توجه به مسائل بی‌شماری که در حوزه‌های مختلف (خانواده، ازدواج، شغل، تحصیل و ...) وجود دارد، ضرورتی تردیدناپذیر است. چون هر انسانی درمی‌یابد در لحظه‌هایی از زندگی به‌تنهایی از عهده حل مسائل خود برنمی‌آید؛ ازاین‌رو نیاز به مشاوره با متخصص در این فن را در خود احساس می‌کند (پوراصغر، ۱۳۹۰: ۱۳۴)؛ ازاین‌رو در قوانین نیز به امر مشاوره گرفتن تأکید شده و قضات در رده‌های مختلف قضایی از این امر مستثنی نشده است.

۳. مرکز مشاوره و تعارض آن با وظایف دستگاه قضا

نخستین پرسشی که درباره فصل دوم قانون حمایت از خانواده یعنی ایجاد مراکز مشاوره خانواده در کنار دادگاه خانواده مطرح می‌شود، میزان هماهنگی ایجاد این

دست مراکز با وظایف دستگاه قضاست. براساس اصل ۱۵۶ ق.ا، قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: الف) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛ ب) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ ج) نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ د) کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ه) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

در این اصل هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقش قوه قضائیه مبنی بر تلاش برای تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق نشده است و فقط می‌توان با استناد به بند یک به‌ویژه درباره حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، قوه قضاییه را برای سعی در ایجاد صلح و سازش مسئول دانست؛ یا اگر عواقب ناشی از طلاق زمینه‌ساز وقوع جرائم گردد در ذیل بند پنج این اصل، به نقش پیشگیرانه قوه قضائیه بتوان اشارت نمود؛ با این حال این پرسش همچنان باقی می‌ماند که با وجود مراجع ذیصلاح دیگر برای مسائل مشاوره‌ای به‌ویژه در قانون تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره (فصل دوم، ماده سوم، بند یک)؛ آیا این وظیفه را باید از دستگاه قضا توقع داشت؟ در پاسخ به سوال فوق باید گفت که از طرفی با عنایت به وظیفه ذاتی دستگاه قضا در رسیدگی عادلانه به دعاوی و حل و فصل آنان و از طرف دیگر کثرت و تنوع دعاوی و کمبود امکانات و قضات حاذق که همه و همه منجر به اطاله دادرسی می‌گردد و بالتبع نارضایتی مراجعان را به‌دنبال دارد و همچنین قضاوت‌ها را سطحی و دغدغه قضات را افزایش می‌دهد، پر بیراهه نخواهد بود که قائل باشیم قانونگذار باید این مهم را به نهادهای ذیصلاح با نظارت قوه قضاییه واگذار و از توسعه کمی دستگاه قضا اجتناب ورزد.

با این حال نمی‌توان نوآوری قابل تحسین قانون خانواده را کاملاً نادیده انگاشت؛ چراکه تأسیس مراکز مشاوره و الزام قانونی زوجین در برخی دعاوی در مراجعه به این مراکز می‌تواند قدرت تشخیص دادگاه را افزایش دهد.

مناسب‌تر آن بود که قانونگذار با نظارت و گزینش‌های خاص از ظرفیت مراکز مشاوره موجود بهره‌برداری یا با تأسیس نهاد مشترک داوری و مشاوره، تقنین خود را تکمیل نماید و در ادامه نسبت به الزام زوجین قبل از ازدواج در مراجعه به این نهاد تدابیر لازم اندیشیده شود. بدون تردید مراکز مشاوره با سبک و سیاق موجود نمی‌تواند توقع و کارایی لازم و مد نظر قانونگذار را داشته باشد؛ زیرا پس از شدت گرفتن آسیب‌های جسمی، روحی و روانی زوجین که به‌سختی قابل درمان است و موجب صرف هزینه‌های گزاف و اطاله دادرسی می‌گردد، کمتر نتیجه مطلوب حاصل می‌گردد و در صورت سازش، همچون تسکین موقت و آتش زیر خاکستری است که هر لحظه ممکن است مشکل‌آفرین گردد.

۴. اجباری یا اختیاری بودن دادگاه در ارجاع به مراکز مشاوره

امروزه کارشناسی به‌عنوان یکی از وسایل اثبات دعوا و یکی از طواری دادرسی ناشی از ادله است (شمس، ۱۳۸۹: ۱۹). در کارشناسی از تخصص یک فرد خبره برای کمک به قاضی استفاده می‌شود و اهل خبره در این مورد قاضی را در شناخت حقیقت یاری خواهند نمود (دیانی، ۱۳۸۵: ۲۶۴).

بدون تردید زمانی که دادرس توانایی تشخیص صحیح و کامل موضوع اختلاف را ندارد، رجوع به خبره و کارشناس ضروری می‌نماید. باین‌حال در تشخیص اختیاری یا اجباری بودن ارجاع به مراکز دو امر باید مدنظر قرار گیرد؛ یکی تشخیص فنی و تخصصی بودن موضوع؛ و دیگری درجه تکلیف دادگاه. اگرچه تشخیص جنبه تخصصی مورد ادعا با دادگاه است؛ باین‌حال در ارتباط با درجه تکلیف دادگاه به ارجاع به مراکز مشاوره، صراحت ماده ۲۵ ق.ح.خ. گویای الزام قاضی در ارجاع به مشاوره در طلاق توافقی است.

در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه «باید» موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می‌توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح نمایند.

۵. حدود صلاحیت مراکز مشاوره

نخستین سؤالی که درباره مراکز مشاوره به ذهن می‌رسد، این است که تأسیس این مراکز صرفاً جهت ارجاع طلاق‌های توافقی بوده و قانونگذار این نهاد ضروری و قابل تحسین را صرفاً جهت طلاق توافقی ایجاد نموده است؟ از دقت در فلسفه تأسیس مراکز مندرج در ماده ۱۶ ق.ح.خ و همچنین اطلاق «ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین» که در ماده ۱۹ قانون ذکر گردیده است، می‌توان این گونه برداشت کرد که این نهاد نوپا و قابل تحسین افزون بر تلاش در راستای تحکیم مبانی خانواده، در راستای کمک به قاضی در شناخت حقیقت تأسیس شده است؛ بنابراین قاضی دادگاه خانواده می‌تواند در سایر موارد مقتضی نسبت به ارجاع پرونده به مراکز مشاوره اقدام نماید. این نکته را می‌توان از عبارت یا انجام مواردی که از سوی مرجع قضایی ارجاع می‌شود، مندرج در ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور برداشت نمود.

بنابراین دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر مرکز فوق را در امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود. مرکز مذکور ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین و سعی در سازش طرفین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجرا و در صورت حصول سازش به تنظیم سازش‌نامه مبادرت می‌ورزد و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود را در مورد دلایل عدم سازش به‌طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می‌کند.

از دقت در ماده ۴۶ آیین‌نامه و ماده ۲۵ قانون به‌خوبی قابل استنباط است که وفق ماده ۲۵ «دادگاه در مورد طلاق توافقی تکلیف در ارجاع دارد»؛ ولی در سایر موارد با توجه به واژه «می‌تواند» مندرج در ماده ۴۶ آیین‌نامه در ارجاع خود مختار است و تکلیفی بر وی مترتب نیست.

۶. درجه تکلیف دادگاه در پیروی از نظر مرکز مشاوره

در صورتی که آرا و نظرهای مراکز مشاوره را آرای کارشناسی بدانیم، یکی از سؤالات اساسی این است که نظریه کارشناسی تا چه اندازه در تعیین تکلیف نهایی پرونده مؤثر است؟ از باب نمونه در مورد طلاق توافقی که قاضی پرونده را به مرکز ارجاع می‌دهد و مرکز مشاوره پس از برگزاری جلسات متعدد روان‌شناسی، حقوقی و مددکاری نظر خود را طی فرم‌های استاندارد به دادگاه ارسال می‌نماید، جای این پرسش باقی است که تا چه اندازه دادگاه ملزم به رعایت نظریه کارشناسی مرکز مشاوره می‌باشد. برای مثال پس از طی دوره مشاوره زوجین و جمع‌بندی نظر اعضای مرکز مبنی بر اینکه جدایی زوجین به صلاح می‌باشد، آیا قاضی دادگاه می‌تواند برخلاف نظریه مرکز اقدام و به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی نماید؟ پاسخ این مهم را می‌توان از تبصره ذیل ماده ۱۹ ق.ح.خ و ۴۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور استنباط کرد. در تبصره ماده ۱۹ قانونگذار با به کار بردن واژه «به تشخیص خود» جایگاه استقلال رأی قاضی را حفظ نموده؛ لیکن در تبصره ۱ ماده ۴۶ با حذف این واژه، گویا درصدد بیان این نکته بوده است که قاضی باید براساس نظریه کارشناس و پس از ملاحظه آن مبادرت به صدور رأی نماید.

با این حال اگرچه تبصره ۱ ماده ۴۶ آیین‌نامه از نظر تصویب مؤخر از ماده ۱۹ و آخرین اراده قانونگذار به شمار می‌رود؛ ولی به نظر می‌رسد سهواً عبارت «به تشخیص خود» در تبصره ماده از قلم افتاده است؛ چه اینکه از نظر موازین حقوقی نمی‌توان استقلال قاضی در صدور رأی را وابسته به نظر مراکز مشاوره نمود. در عین حال همچنان جای این پرسش و انتقاد باقی است که هرگاه دادگاه به هر روی بتواند از نظر کارشناس پیروی ننماید، معلوم نیست چگونه می‌تواند پیروی نکردن خود از امری را توجیه کند که ناتوانی خود را در تشخیص آن با ارجاع به غیر اعلام نموده است (شمس، ۱۳۸۹: ۲۱۰).

بنابراین اگرچه از اصول پذیرفته شده این است که استقلال قضات جهت جلوگیری از دخل و تصرفات مستبدانه و ایجاد عدالت محض، ضروری می باشد و تجارب تاریخی بیشتر سیستم های حقوقی پیشرفته دنیا نیز حاکی از این است که استقلال قضات از عناصر اصلی توزیع عدل در جامعه خواهد بود؛ لیکن این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که استقلال محض قضات نه تنها در برخی موارد باعث گسترش عدالت نخواهد بود، بلکه می تواند از مصادیق استبداد و خودرأیی به شمار رود؛ زیرا چنانچه قاضی محکمه، از هر لحاظ دست خود را باز ببیند و خود را مستقل و جدا از هر مسئله تصور کند، چه بسا ممکن است دست به صدور احکامی زند که بر مبنای اغراض شخصی خویش باشد.

۷. آسیب شناسی مراکز مشاوره

آیا اختلافات ریشه دار خانوادگی می تواند در فرایندی سه ماهه، آن هم در موضوع طلاق منتهی به هدف مطلوب شود؟ در حقیقت آنچه امروزه باعث بروز اختلافات شدید در خانواده ها شده، مسائلی ریشه دار نظیر عدم پابندی به اصول و اعتقادات، پایین بودن آستانه تحمل زوج های جوان، مشکلات اقتصادی و معیشتی و مسائل کلانی نظیر خیانت و اعتیاد است که از بین بردن ریشه این ناهنجاری ها زمان طولانی را می طلبد.

نکته دیگری که از نقایص قانون حمایت خانواده محسوب می شود، این است که طبق ماده ۲۵ قانون حمایت خانواده در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد و حتی در طلاق توافقی طرفین می توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح نمایند. مطابق این ماده دادگاه بدون استثنا باید زوجین متقاضی طلاق توافقی را به مراکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. این مشکل زمانی حادتر می شود که عامل طلاق توافقی مسائلی غیر از مسائل احساسی باشد. از باب نمونه در موارد متعددی مشاهده

می‌گردد که اعتیاد شدید زوج به مواد مخدر و توهّمات ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی، تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی زوجه یا فرزند شده است. در این گونه موارد زوجه به ناچار به جهت آنکه راه پر پیچ و خم دادگاه را طی ننماید و به جهت حفظ جان خویش بعضاً با گذشت تمام یا بخشی از حق و حقوق مالی، همسر خویش را راضی به طلاق توافقی می‌کند. در این مورد اصولاً ارجاع زوجین به مراکز خانواده مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه به عکس ممکن است تبعات و لطمات جبران‌ناپذیری را برای حفظ جان زوج یا زوجه یا فرزندان ایشان در پی داشته باشد؛ یا اینکه در برخی مواقع خیانت همسر به شوهر یا بالعکس، شرایطی را ایجاد می‌نماید که زوجین با کتمان و در پرده نگه داشتن این موضوع متقاضی طلاق می‌شوند. در این مورد نیز ارجاع زوجین به مراکز خانواده نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت. در برخی موارد نیز افراد دچار اختلالات خطرناک روانی نظیر روان‌گسیختگی یا اسکیزوفرنی،^۱ به نظر می‌رسد در صورت اثبات این گونه بیماری‌ها باید فرایند طلاق چه در طلاق توافقی و چه در سایر طلاق‌ها یا فسخ نکاح بدون فوت وقت صورت پذیرد.

نکته دیگری که باعث افزایش و فزونی طلاق‌های توافقی خصوصاً در زوجین جوان و با سن پایین می‌شود، دخالت خانواده‌هاست که در این مورد قانونگذار صرفاً خود زوجین را ملزم به مراجعه به مراکز مشاوره نموده است؛ در حالی که در این موارد عامل طلاق افرادی غیر از زوجین می‌باشند؛ لذا بایسته است در این گونه طلاق‌ها تمهیداتی اندیشیده شود که طی آن بتوان عوامل خارجی مؤثر در طلاق شناسایی شده و امکان مشاوره برای افرادی غیر از طرفین پرونده فراهم شود.

همچنین از دیگر مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد این است که قانون فعلی از طریق مرزبندی میان مرکز مشاوره و نهاد داور، صلاحیت‌های این دو مرکز را از

1. Schizophrenia

هم تفکیک کرده؛ چه اینکه دعوای طلاق توافقی در صلاحیت مرکز مشاوره و دادخواست طلاق زوج یا زوجة در صلاحیت شعب داورى قرار گرفته که این امر موجب به وجود آمدن مشکلات نظری و اجرایی بسیاری گردیده است. برای مثال قانون فعلی به گونه‌ای است که امکان دور زدن آن توسط زوج‌های متقاضی طلاق وجود دارد. با شکل‌گیری مراکز مشاوره فرایند بررسی پرونده و اعلام نظر در آن طولانی‌تر خواهد بود. در این صورت زوجین می‌توانند با تبانی و توافق و با هدف دستیابی سریع‌تر به طلاق، به جای طرح دعوای طلاق توافقی، فقط یکی از آنها تقاضای طلاق نماید و در این صورت مسیر پرونده تغییر خواهد نمود. علاوه بر آسیب مذکور، اصولاً تعدد مراکز با صلاحیت‌های مشابه مستلزم صرف هزینه‌های زائد است؛ چه اینکه هر مرکز به نیروهای انسانی، ساختمان و تجهیزات اداری نیاز دارد و مستلزم تخصیص بودجه است (ر.ک: هدایت‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

یکی دیگر از معایب مراکز مشاوره خانواده این است که هر مرکز مشاوره خانواده باید حداقل دارای سه عضو مشاور باشد. در صورتی که ادامه عضویت یکی از مشاوران با مانع قانونی مواجه گردد و تعداد مشاوران مرکز از حداقل قانونی کمتر شود، تا رسیدن به حد نصاب فعالیت مرکز یادشده معلق خواهند ماند. حال چنانچه زوجی که به این مراکز مراجعه نمایند در اثنای مشاوره، مواجه با معلق شدن مرکز مشاوره شوند تکلیف زوجین چیست؟ از طرفی شاید ارجاع زوجین به مرکز دیگر به مصلحت نبوده و از سوی دیگر اقدامات انجام گرفته در مرکز معلق چه وضعیتی پیدا خواهد نمود؟ لذا باید در تدوین آیین‌نامه وضعیت مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره‌ای که معلق می‌شوند، مشخص شود.

آسیب دیگر مراکز مشاوره این است که رسمیت این نوع مراکز با سه نفر است و معمولاً هر سه نفر باید صلاحیت‌های قانونی لازم را کسب نموده باشند؛ لیکن طبق

ماده ۴۸ آیین‌نامه قانون حمایت خانواده، مجوز مرکز به نام یک نفر صادر می‌شود؛ حال جای این پرسش است که چنانچه فرد فوق بعداً صلاحیت خود را از دست دهد، تکلیف سایر افرادی که مجوز لازم را بابت مشاوره گرفته‌اند، چه خواهد بود؟ نکته مهم دیگر اینکه در کنار هزینه‌های دادرسی که در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته، هزینه‌های مرکز مشاوره نیز باری مضاعف بر دوش مراجعه‌کنندگان به این مراکز است. هرچند در قانون حمایت خانواده و آیین‌نامه اجرایی آن پیش‌بینی معافیت از پرداخت هزینه‌ها در موارد خاص مدنظر قرار گرفته، اما در شرایطی که بخش عمده‌ای از اختلافات خانوادگی نتیجه فقر مالی است، افزودن هزینه مشاوره باعث تضییع حقوق افراد می‌گردد.

هرچند ماده ۵۳ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده عنوان می‌دارد مرکز مشاوره خانواده موظف است برای کلیه مراجعان پرونده تشکیل داده و کلیه سوابق، یافته‌های بالینی و شرح خدمات درمانی ارائه‌شده به آنها را در فرم‌های مخصوص و استاندارد که نمونه آن توسط مرکز امور مشاوران ارائه می‌شود، درج و نگهداری نماید و آمار ماهانه مراجعان را به رئیس حوزه قضائی یا مجتمع قضائی خانواده مربوط تحویل دهد و پرونده و سوابق مراجعان دور از دسترس سایر مراجعه‌کنندگان و پرسنل به‌طور محرمانه نگهداری می‌شود؛ اما این ماده و آیین‌نامه مشخص ننموده است که امحا اسناد پس از چند سال و به چه صورت انجام می‌شود؟ یا در مواردی که مرکز فعالیت خود را قانوناً از دست می‌دهد یا تعطیل می‌شود، تکلیف اسناد و مدارکی که محرمانه می‌باشند چه می‌شود؟

همه مواردی که ذکر شد، ایراداتی است که به‌نظر می‌رسد بر فعالیت مراکز مشاوره وارد بوده و شایسته است قانونگذار در اصلاحات بعدی قانون به رفع آنها مبادرت ورزد.

نتیجه

مطابق نتایج پژوهش از ویژگی‌های مثبت قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) می‌توان به ایجاد مراکز مشاوره در جهت همفکری با قاضی برای اخذ تصمیم یا رأی مقتضی و همکاری قضات دادگستری با مراکز مشاوره برای دستیابی به حقیقت مشکلات زناشویی اشاره نمود. این امر نشان از توجه قانونگذار به نقش خانواده و اهمیت بی‌بدیل آن در ساختن جامعه سالم دارد. با این حال وجود مشکلات و آسیب‌هایی در این نهاد در برخی از مواقع، منجر به اطاله دادرسی در دعاوی خانوادگی می‌شود که شایسته است در اصلاحات مدنظر قانونگذار قرار گیرد و گامی هرچه بیشتر در جهت آسیب‌زدایی از کیان خانواده برداشته شود.

پیشنهاد می‌گردد قانونگذار در راستای جلوگیری از ایجاد نهادها یا مراکز موازی و همچنین توسعه کمی وظایف دستگاه قضا که منجر به اطاله دادرسی می‌گردد، در وهله نخست نسبت به تدوین مصوبه یا آیین‌نامه، در خصوص استفاده از ظرفیت‌های قانونی مراکز مشاوره نظام روانشناسی بهره‌برد. در غیر این صورت پیشنهاد تأسیس مراکز مذکور در قالب «مراکز داوری و مشاوره» نهایت بهره‌را از ظرفیت داوری - که در آیات قرآن تصریح گردیده - در کنار مراکز مشاوره به عمل آورد و در این ساختار شرایط داوران و مشاوران، نحوه جذب و به‌کارگیری و ... را تبیین نماید. تأسیس مراکز مشاوره با این همه طول و تفصیل با اولویت طلاق‌های توافقی نمی‌تواند توجیه‌کننده باشد. نهایتاً پیشنهاد می‌گردد قانونگذار در راستای جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده و طلاق‌های زودهنگام و شناخت هرچه بیشتر زوجین نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی قبل از ازدواج و اخذ گواهی‌نامه مهارت‌های زندگی اقدام نماید یا با بررسی و رفع موانع، الزام به مشاوره قبل از ازدواج نماید و ثبت ازدواج را منوط به ارائه گواهی‌نامه مذکور کند.

منابع

قرآن کریم

۱. آیین نامه نحوه اجرای احکام و تصمیمات محاکم خانواده، ۱۳۵۴.
۲. آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۳.
۳. آیین نامه تأسیس دفتر کار مشاوره روانشناسی بالینی.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ۱۵ج، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
۵. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۶. پوراصغر، مرضیه، (تیر ۱۳۹۰)، «اصول و راهکارهای مشاوره در اسلام»، ماهنامه معرفت، سال بیستم.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، ۶ج، بیروت: دار العلم للملایین.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، ۳۰ج، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، محقق و مصحح هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۱۰. دیانی، عبدالرسول، (۱۳۸۵)، ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی، تهران: تدریس، چاپ سوم.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان: دار العلم - الدار الشامیه.
۱۲. روشن، محمد، (۱۳۹۳)، حقوق خانواده، تهران: جنگل، جاودانه.
۱۳. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، بیروت: دار الكتاب العربی.

۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، ۳ج، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم.
۱۵. سعدی، ابوجیب، (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهي لغه و اصطلاحا، دمشق: دار الفکر، چاپ دوم.
۱۶. شریف الرضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، (للصباحي صالح)، قم: هجرت.
۱۷. شمس، عبدالله، (۱۳۸۹)، ادله اثبات دعوا، تهران: ادراک، چاپ نهم.
۱۸. صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، (۱۳۸۵)، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
۱۹. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان في تفسير القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان في تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، ۶ج، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۲. قانون اساسی (مصوب ۱۳۵۸)، اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب (۱۳۶۸).
۲۳. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ۱۳۷۹.
۲۴. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴-۱۳۹۰.
۲۵. قانون تشکیل دادگاه مدنی خاص، ۱۳۸۵.
۲۶. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ۱۳۷۳.
۲۷. قانون حمایت خانواده و آیین‌نامه اجرایی آن، ۱۳۹۳.
۲۸. قانون حمایت خانواده، ۱۳۵۳.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، ۷ج، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم.

۳۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ج، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
۳۲. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۸)، قواعد فقه، ویرایش دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۳. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۴ج، تهران: مرکز الكتاب للترجمة و النشر.
۳۴. مطهری، محمدرضا، (۱۳۸۲)، مشاوره و راهنمایی از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۵. معلوف، لوئیس، (۱۳۷۴)، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، تهران: ایران.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. منتظری، حسین علی، (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، ۸ج، قم: مؤسسه کیهان.
۳۸. هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجتمع آموزش عالی قم، چاپ دوم.
۳۹. هدایت‌نیا، فرج‌الله، (پاییز ۱۳۹۵)، «طرح تلفیق مشاوره و داوری در دادگاه خانواده»، دین و قانون، شماره سیزده.